

ترجمه ای. امخبر

کتاب انسان شناسی

کریس راجر

نظریه فراغت

اصول و تجربه ها



انتشارات تیسرا

به نام خالق پیدا و پنهان
که پیدا و نهان داند به یکسان

سرشناسه	: روژک، کریس، ۱۹۵۴ - م.	Rojek, Chris
عنوان و نام پدیدآور	: نظریه فراغت: اصول و تجربه‌ها / کریس روژک؛ ترجمه عباس مخبر.	
مشخصات نشر	: تهران: تیس، ۱۳۹۵.	
مشخصات ظاهری	: ۳۱۵ ص؛ جدول، نمودار؛ ۲۱×۱۴/۵.	
فروست	: انتشارات تیس؛ شماره نشر ۲۰۹. کتاب انسان‌شناسی	
شابک	: ۲۳۵۰۰۰ ریال؛ 978-600-7212-43-1	
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا		
یادداشت	: عنوان اصلی: Leisure Theory: Principles and Practices, 2005	
موضوع	: اوقات فراغت - جنبه‌های اجتماعی.	
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۵ ن ۹ ر / ۱۴/۴۵ GV	
رده‌بندی دیویی	: ۷۹۰/۰۱	
شماره کتابشناسی ملی:	۳۴۴۱۸۶۳	

نظریه فراغت: اصول و تجربه‌ها

نویسنده: کریس روژک

مترجم: عباس مخبر

مدیر تولید: فاطمه شهبازی

چاپ یکم: زمستان ۱۳۹۵

شماره نشر: ۲۰۹

ویراستار: معصومه ارچندانی

صفحه آرا: سپیده امری

لیتوگرافی: البرز نوین، چاپ: عطا، صحافی: ساغر مهر

ناظر فنی چاپ: امیر نبی‌زاده

تعداد: ۶۰۰ نسخه

قیمت: ۲۳۵۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۲۱۲-۴۳-۱

۹	پیشگفتار.....
۱۵	مقدمه.....
۳۷	فصل یکم: بازگویی فراع.....
۳۹	۱. ابعاد ویژه نوعی و فرهنگی روت.....
۴۰	۲. تناقض قوم محوری.....
۴۱	۳. ایدئولوژی و احضار.....
۴۳	۴. توماس هابز: کشمکش، کمیابی و یگانگی.....
۴۵	۵. اراده گرایی و جبرباوری.....
۴۶	۶. مناسبت های «الف» و «ب».....
۵۰	۷. روش شناسی مکان و بستر.....
۵۴	۸. مفهوم بندی فراغت.....
۵۶	۹. دام روان شناسی گری.....
۶۰	۱۰. سیلان.....
۶۲	۱۱. ذات باوری، جسمیت و مکانیت.....
۶۴	۱۲. ارزش چشم انداز تطبیقی و تاریخی.....
۶۶	۱۳. ایدئولوژی اراده گرایی و جبرباوری.....
۶۹	۱۴. فراغت و رضایت از زندگی.....
۷۱	۱۵. اخلاق شناخت.....
۸۱	فصل دوم: تحلیل کنش.....
۸۱	۱. تحلیل کنش.....
۸۶	۲. سیاست زندگی.....

۹۲	۳. رویکرد نظام‌های اجتماعی
۹۶	۴. رویکرد کنش متقابل
۱۰۱	۵. مارکسیسم
۱۱۳	۶. فمینیسم
۱۲۳	فصل سوم: کارکردهای اولیه
۱۲۸	۱. بازیابی مفهوم کارکرد
۱۳۰	۲. بازنمایی
۱۳۴	۳. تربیت
۱۴۰	۴. کنترل
۱۵۰	۵. مقاومت
۱۶۵	فصل چهارم: رشد پذیری و بازنمایی
۱۶۷	۱. رشد پذیری و مزددایی
۱۷۰	۲. مک‌کالمر و گاترین: نشانگرها و مضمون‌پردازی
۱۷۵	۳. اسطوره‌زایی و فراغت
۱۷۷	۴. اسطوره بومی: «منزلت منبع فراغت»
۱۸۰	۵. رمزگشایی از اسطوره
۱۸۳	۶. میراث فرهنگی و تکثر فرهنگی
۱۸۵	فصل پنجم: دور زندگی و نسل‌ها
۱۸۵	۱. مسیر زندگی
۱۸۶	۲. جوانی
۱۸۷	۳. میانسالی
۱۸۹	۴. کهنسالی
۱۹۳	۵. نسل‌ها
۱۹۷	فصل ششم: قدرت و فراغت
۲۰۲	۱. فراغت و سلسله‌مراتب ساختاری قدرت
۲۰۷	۲. نهادهای اعمال فشار هنجاری
۲۱۱	فصل هفتم: سازوکارهای تنظیمی
۲۱۳	۱. طبقه
۲۲۱	۲. جنسیت
۲۲۱	۳. اشتغال دستمزدی
۲۲۲	۴. کارهای خانه
۲۲۴	۵. تمایلات جنسی

۲۲۷	۶. خشونت
۲۲۹	۷. نژاد
۲۳۵	۸. شغل
۲۴۲	۹. سازوکارهای تنظیمی: خلاصه
۲۴۵	فصل هشتم: اصول مکان
۲۵۱	۱. تراز شاخصی
۲۵۲	۲. تراز همگونگی
۲۵۴	۳. تراز یکپارچگی
۲۵۵	۴. فراغت جدی و غیر جدی
۲۶۰	۵. تراز کم اجتماعی و سرمایه اجتماعی
۲۶۲	۶. گرید، تجربه حدی و فعالیت های پرخطر
۲۶۵	۷. صورت ای غرغاده، فراغت
۲۶۶	۸. فراغت تهاجم
۲۶۶	۹. فراغت زهر آگین
۲۶۷	۱۰. فراغت وحشیانه
۲۶۹	فصل نهم: مسائل عمده
۲۷۰	۱. پرسش های خاص رشته ای
۲۷۰	۲. تمایز های واقعیت / ارزش
۲۷۵	۳. پیچیدگی سرمشق های چند گانه
۲۷۹	۴. استقلال حرفه ای
۲۸۱	۵. چالش های تفسیری
۲۸۵	۶. حذف اجتماعی و اقتصادی؟
۲۹۴	۷. مک دونالدی شدن
۳۰۰	۸. پسا کار
۳۰۰	۹. خطر
۳۰۹	۱۰. معضلات اندیشه پسا هویت
۳۱۲	۱۱. نتیجه گیری

بیش از چهار دهه از ارائه نخستین درس‌های جامعه‌شناسی فراغت در دانشگاه‌های ایران می‌گذشت. سنت مطالعات فراغت که تا چندی پیش در ایران کم‌وبیش در حاشیه دروس نظری، ترم به ظاهر جدی‌تر و مهم‌تر قرار داشت، در سال‌های اخیر در ایران جایگاه و اهمیت متفاوتی یافته است و به حوزه‌ای جذاب و پویا تبدیل شده است. جامعه‌شناسی فراغت در ایران تقریباً تا اوایل سال‌های دهه ۸۰ خورشیدی دنباله‌رو چهارچوبی مبانی بود که جست‌وجوی عوامل و زمینه‌های فردی و ساختاری مؤثر بر نگرش و رفتار فراغتی افراد و گروه‌ها اجتماعی را هدف قرار می‌داد. در این نگاه که نوعاً انتقادی و متکی به مفروضات کارکردی بود، تجربه کمی و کیفی فراغت غالباً به مثابه متغیری وابسته دیده می‌شود که برای تبیین تغییرپذیری‌های آن، نگرش‌هایی از متغیرهای فردی، بین‌فردی و ساختاری ضروری است. به موازات، و گاه در مقابل این نگاه در سال‌های اخیر به واسطه تغییرات نهادین و ساختاری چون اهمیت یافتن فرهنگ فراغتی و مصرفی در کلان‌شهرها، تفکیک اجتماعی و رشد واسطه‌های فرهنگی در شهرهای بزرگ، اهمیت یافتن سبک زندگی و همچنین رواج آموزش‌ها و پژوهش‌های بین‌رشته‌ای در فضای دانشگاهی و خارج از آن، چرخشی در مطالعات فراغت ایران حاصل شده است. مطالعات فراغت اینک بیش از هر زمان دیگری وجهی نظری‌تر، بین‌رشته‌ای‌تر، تفسیری‌تر و انتقادی‌تر

یافته است. وام‌گیری از مفاهیم نظری و رویکردهای طیفی از رشته‌هایی چون جامعه‌شناسی، مطالعات فرهنگی، اقتصاد، مطالعات فیلم و سینما، مردم‌شناسی و مانند آن دستور کارهای متنوعی را برای این رشته به ارمغان آورده است. به همان سان، در سطحی عینی‌تر، گسترش فرهنگ عامه‌پسند و رونق روزافزون تولیدها و مصرف‌های مربوط به آن، فضای تازه و متفاوتی را برای مطالعات فراغت ایرانی به وجود آورده‌اند و آن را بیش‌ازپیش در تلاقی سنت‌های نظری جدید قرار داده‌اند. پرداختن به بی‌واسطه‌ترین (عادی‌ترین) و معاصرترین سبب‌های زندگی روزمره و نیز مطالعه هیجان‌ها و هنجارهای رفتاری جدید و تزیینات زندگی شهری جدید (به عنوان دستاوردهای فرهنگ عامه‌پسند)، بهره تازهای به تأملات و پژوهش‌های فراغتی ایران داده‌اند. مطالعات فراغت متأثر از رشد ارزش‌های فردگرایانه، رشد آگاهی‌ها و انتخاب افراد، همه‌گیر شدن فضای رسانه‌های نو و درمجموع بستر و متن تغییر یافته جامعه معاصر ایران، ناگزیر پیوند بیشتری با سبک‌های زندگی جدید می‌یابند.

کریس روژک - استاد جامعه‌شناسی و فرهنگ در دانشگاه نانتینگهام ترنت انگلستان - را بدون تردید باید از تاثیرگذارترین چهره‌های ترویج‌دهنده سنتی از مطالعات فراغت دانست که ماهیت فرهنگی آن را در کانون توجه خود دارد. در بیش از دو دهه فعالیت علمی، روژک آثار متنوع و تأثیرگذاری را در پیشبرد سنت جدیدی از مطالعات فراغت به رشته تحریر آورده است که از جمله آنها می‌توان به شیوه‌های گریز (تحولات مدرن: فراغت و سفر)^۱، فراغت برای فراغت: رساله‌هایی انتقادی^۲، فراغت و فرهنگ و مرکز دلبستگی از فراغت: بازاندیشی در نظریه فراغت^۳ اشاره کرد.

کتاب نظریه فراغت را بدون تردید باید از مهم‌ترین آثار نظری روژک در معرفی رویکرد فرهنگ‌نگرانه به فراغت نگرینست، از نظر اوجسط عرصه

1. Ways of Escape: Modern Transformations in Leisure and Travel

2. Leisure for Leisure: Critical Essays

3. Leisure and Culture

4. Decentering Leisure: Rethinking Leisure Theory

فرهنگی، اهمیت کار به مثابه علاقه محوری زندگی در جامعه معاصر را کاهش داده است و در نتیجه مفهوم جامعه پس از کار می تواند آزادی افزون تری را برای فرد در ایجاد فراغت بیشتر فراهم سازد. روزک در غالب آثار خود تلاش کرده دایره مفهوم سازی ها، رویکردها و دستورکارهای مطالعات فراغت را گسترش دهد و آن را با طیف متنوعی از پدیده های اجتماعی و اقتصادی پیوند زند که در نگاه نخست و با تصورات سنتی تر از آن تشابهی به فراغت ندارند.

در نگاه دورک، فراغت توأمان دربرگیرنده فعالیت های مولد و غیرمولد، الهام به سرور غیرالهام بخش، جدی و غیرجدی و مستمر و منقطع است. به همان سان روزک ابزارهای منظمی و نظری را در تحلیل های خود به کار می گیرد که هم ملهم از رویکردهای نظری کلاسیک و هم وامدار رویکردهای ترکیبی و متأخر است. رویکرد ساینس و جدیدی که روزک در سال های اخیر در پی بسط آن بوده و در کتاب حاضر نیز به آن می پردازد، تحلیلی از صورت های کنش فراغتی است که توأمان دربرگیرنده نظریه، عمل و اخلاق است. مبنای کلاسیک این تحلیل در آرای وبر و تعامل گرایی نمادین قرار دارد؛ با این همه روزک تلاش می کند مفهوم کنش را در ارتباط با تجربه های بدنی، تجربه های مکانی و متن و موقعیت کنش قرار داده، مراقبت از خود و دیگران را مبنایی برای مطالعات فراغت قرار دهد.

در کتاب حاضر، روزک مفاهیم و سازه های تفسیری بنیادین در تحلیل فراغت را به بحث می گذارد. در سراسر این کتاب پیوند و تاثیر دایره فراغت از قدرت، گفتمان ها و بازنمایی ها به روشنی نشان داده می شود. بسط و بسط لاف تصورات خوش بینانه و کم و بیش آرمانی که فراغت را با آزادی، انتخاب و عاملیت پیوند می دهند، تأثیرپذیری این تجربه از متن و موقعیت های اجتماعی و فرهنگی خود و نیز نقش مؤلفه های فردی و ساختاری چون جنسیت، دوره زندگی، نژاد، سرمایه های فرهنگی و منزلت در شکل دهی به معنا و قالب آن را نشان می دهد.

سبک شیوا و آموزشی متن (معرفی بحث، شرح مفاهیم انتزاعی و محوری و نیز نتیجه گیری کوتاه از هر بخش) به مخاطب امکان می دهد مفاهیم انتزاعی

را به شیوه‌های ملموس و در پیوند با مسائل واقعی زندگی روزمره فراگیرد. کتاب نظریه فراغت در عین پیچیدگی و غنای نظری، برای خواننده آماتور قابل استفاده و جذاب است.

آقای عباس مخبر با ترجمه این کتاب آموزشی پیشرو و عمیق و ترجمه تخصصی، دقیق و وفادارانه خویش بدون تردید خدمت بزرگی به دانشجویان علوم انسانی و اجتماعی در ارتقای سنت مطالعات و پژوهش‌های فراغتی در ایران کرده‌اند. کتاب حاضر منبع آموزشی مستقیم و یا تکمیلی مناسبی برای درس مختلف حوزه فراغت و فرهنگ در دپارتمان‌های علوم انسانی و علوم اجتماعی به شمار می‌آید و یا به صورت جایگزین می‌تواند خودآموز و مرجعی برای سخنگویان به نیازهای خوانندگان و علاقه‌مندان به حوزه روبه‌رشد و جذاب معارف فراغت قرار گیرد.

محمد سعید ذکایی

دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی

در زمانه چالش‌ها و نبود قصه‌ت‌نمایی زندگی می‌کنیم که در آن مسائل مربوط به ماهیت و مقاصد فراغت، پیچیدگی از سی سال قبل هستند. باورهای قدیم درباره توانایی علم و فناوری به حل مشکلات فراغت و پیریزی یک جامعه فراغت، جای خود را به اضطراب از انواء فراغت، به‌ویژه آن صورت‌هایی از فراغت داده است که انحراف به شمار می‌آیند. استفاده تفریحی از مواد مخدر غیرمجاز و نسخه‌برداری غیرقانونی از آثار موسیقی، فیلم و نرم‌افزار با استفاده از شبکه اینترنت از این جمله هستند. اعتماد سستی شاغلان حریق‌بگیر، وابستگان آنها و صاحبان سرمایه به داشتن حق فراغت، با نگرانی‌های تاریخی گره خورده است. موقتی شدن اشتغال حقوق‌بگیری و پیامدهای آن برای سلامت و دوران بازنشستگی، هزینه‌های زیست‌محیطی گذران فراغت، خطرهای دیرپاگون رژیم‌های غذایی، بیماری‌های مقاربتی، استمرار نابرابری و نقش شرکت‌های چندملیتی فراغت در تشدید شکاف توسعه‌ای از جمله این نگرانی‌ها هستند. در منشور فراغت که در ماه ژوئیه سال ۲۰۰۰ به تصویب هیئت‌مدیره جهانی فراغت رسید، این‌گونه آمده است:

«تأمین فراغت برای کیفیت زندگی همان‌قدر اهمیت دارد که تأمین سلامت

و آموزش^{۱)} با این حال، دولت‌ها در برنامه‌های هزینه عمومی خود، کمتر به این مطلب توجه کرده‌اند و به طور معمول از رابطه میان فراغت و کیفیت زندگی درک درستی ندارند.

همگان اتفاق نظر دارند که در دموکراسی‌های غربی، رابطه میان فرد و حکومت از لحاظ حقوق و مسئولیت‌های مدنی، به طور عمیق مورد تجدیدنظر قرار گرفته است. دوران ما دورانی از تردید و اضطراب است که در آن بسیاری از بارهای سستی سال‌های پس از جنگ - که شالوده انواع صورت‌ها و تجربه فراغت بود - از قبیل آموزش رایگان، مالکیت خانه، امنیت شغلی و پایداری محیط زیست، درد شده و به هوا رفته است. دولت بسیاری از کارکردهای سستی خود را رها کرده یا آنها را کاهش داده است. این مطلب به ویژه در عرصه‌های افزایش مستقیم مناسب با تورم، آموزش و بهداشت رایگان و امکانات رفاهی فراگیر مصداق دارد. درباره حفاظت محیط زیست و فضیلت‌های مدنی، شرکت‌های خصوصی، مسئولیت‌ها و فرصت‌های تازه‌ای پیدا کرده‌اند. گسترش سواد و ارتباطات همگانی نوع جدیدی از شهروند را پدید آورده است که نسبت به گذشته بیشتر در معرض آموزش نهادی قرار می‌گیرد و از طریق رسانه‌ها، دسترسی بی‌سابقه‌ای به اطلاعات و سیاست‌گذاری دارد. این تحولات، موجب پیدایش روایت تازه‌ای از «شهروندی فعال»^۱ شده که بر تشریک مساعی میان افراد، سازمان‌های داوطلب، شرکت‌های چندملیتی و دولت استوار است.

پیرایند شماره ۱. شهروندی فعال

شهروندی فعال مبتنی بر الگوی توانمندشده‌ای از فرد است که از حقوق و مسئولیت‌های مدنی خود آگاه است و آنها را به کار می‌بندد. این الگو بر دو سطح استوار است؛ این دو سطح عبارتند از: نخست، وجود جامعه‌ای مدنی که شهروندان را از گزینه‌های سبک زندگی و انتخاب‌های سیاسی آگاه سازد؛ دوم، تشریک مساعی میان شهروندان، سازمان‌های داوطلب، بازرسان ویژه و دولت به منظور دستیابی به مشارکت فعال در حقوق و مسئولیت‌ها.

ویژگی‌های این تشریک مساعی هنوز روشن نیست. افزون بر این، بسیاری از

گروه‌های ذی‌نفع که می‌خواهند جهان به همین صورت باقی بماند، در مقابل آن مقاومت می‌کنند، ولی در وجود این روند جای تردید نیست.

مفهوم شهروندی فعال در پی عملی کردن روایت تجدیدنظرشده‌ای از حقوق شهروندی است و مسئولیت‌های شهروندی جدید را درباره حفاظت داوطلبانه از «سرمایه اجتماعی»^۱ و گسترش آن می‌پذیرد.

پیروانند شماره ۲. سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی به سرمایه‌گذاری داوطلبانه در اجتماع محلی و نیز ثروت مدنی گفته می‌شود. در حالی که ثابت معمولاً در قالب اصطلاحات اقتصادی تعریف می‌شود، سرمایه اجتماعی به ارزش افزوده ناشی از کمک و مراقبت اطلاق می‌شود. حفاظت داوطلبانه از محیط‌زیست، کمک به مراقبت از کودکان و سالخوردگان، اسدازی اجتماعات غیرانتفاعی فراغت و فعالیت‌های تفریحی از نمونه‌های آن به شمار می‌آید.

پس از حادثه ۱۱ سپتامبر دیگر امکان ندارد که در مقابل جهانی‌شدن و پیامدهای آن مانند کبک، سر در برف قرار بگیریم. دیگر نمی‌توان گفت تجربه گذران وقت آزاد به بقیه جامعه ارتباطی ندارد. پیامدهای این وضع برای صورت‌ها و تجربه‌های گوناگون گذران فراغت، پدیده‌های ناشت‌ناپذیر است. درحقیقت هر دو سند بیانیه سانوپولو (که در سال ۱۹۹۸ از سوی انجمن جهانی فراغت و تفریح منتشر شد) و منشور فراغت (در سال ۲۰۰۰) از دولت‌ها و دانش‌پژوهان فراغت می‌خواهند که برای یک دنیای جهانی‌شدن تاب‌ناپذیر بکوشند و با تهدیدهای ملی و بین‌المللی رویاروی فراغت به مبارزه برخیزند.^(۲) این قبیل دعاوی جسورانه بر چه پایه‌ای استوارند؟

نظریه‌پردازان رادیکال در دهه ۱۹۶۰ بر اعتیاد عمومی به فرهنگ مصرفی و نگرش‌های سیاست‌زده و فرمان‌بردارانه همراه با آن، مویه می‌کردند. روبرت مارکوزه (۱۹۶۴) تاخت‌وتاز «آگاهی شاد» را به باد سرزنش گرفت و منظورش این باور درون‌نگر و سطحی مصرف‌کنندگان غربی بود که افزایش مصرف و بهره‌وری تا ابد پیش خواهد رفت و مسائل دنیای قدیم از قبیل جهل، فقر، بدبختی و نیاز را با موفقیت حل خواهد کرد. در آن زمان، نظریه‌پردازان فراغت

در زمره نظریه‌پردازان اجتماعی رادیکال قرار نمی‌گرفتند. مطالعات فراغت به‌تازگی وارد برنامه‌های درسی دانشگاه شده بودند و نظریه فراغت دوران طفولیت خود را می‌گذراند. با این همه، پژوهندگان این رشته به‌طور معمول باورهای مغرورانه و قهرمانانه آن روز را منعکس می‌کردند و صاحب‌نظرانی مانند ویلنسکی (۱۹۶۰) و پارکر (۱۹۸۳) به جدایی فراغت از کار و سایر عرصه‌های زندگی به‌نوعی اشاره می‌کردند که گویی این تمایزها را می‌توان از نظر عای تأیید کرد. شماری دیگر از قبیل کر و همکاران (۱۹۷۳)، بل (۱۹۷۴)، تری (۱۹۷۱) و کاپلان (۱۹۷۵)، رشد جامعه فراغت را پیش‌بینی می‌کردند. فراغت در سده بیستم این برداشت‌ها، قلمرو جداسازی‌شده‌ای از تجربه بشری به شمار می‌آمد که به گونه‌ای جادویی از بقیه زندگی جدا شده و مقدر بود که در هویت و سبک زندگی رسوخ کند. این برداشت، اغلب بدون قصد و ناآگاهانه رواج یافته بود.

بررسی تاریخی دهه ۱۹۶۰ نشان می‌دهد که مارکوزه و دیگرانی که مانند او می‌اندیشیدند، احتمالاً به بروی از روح زمانه، درباره قوت استدلال خود مبالغه می‌کردند تا بر تأثیر مسائل اجتماعی بیفزایند. فاصله گرفتن مصرف‌کنندگان غربی از مسائل فقر در جهان سوم، توهم مصرف مهارگسیخته به عنوان ابزاری برای حل مسائل شخصی و جمعی و معادله‌زنی زیست‌محیطی ناشی از مصرف و تولید بی‌رویه، هیچ‌گاه آن‌طور که مارکوزه تصور می‌کرد، تمام‌عیار و بدون مخالف نبود. الگوهای تکه‌پاره و تجزیه‌شده فراغت و همراه با آن پروژه جامعه فراغت به عنوان نوعی خیال‌پردازی مغشوش با انتقاد روبه‌رو شد. مفهوم فعالیت تکه‌پاره و تجزیه‌شده با مفهوم «انسان کلی»^۱ که الهام‌بخش نظریه رابینسون و متریکی بود، مغایرت داشت (میلز، ۱۹۵۳).

این مجادله‌ها در دنیایی صورت می‌گرفت که به نظر می‌رسید دیگر منقرض شده است. جهانی‌شدن، دسترسی گسترده به آموزش و گسترش ارتباطات همگانی در سلول‌های جامعه مدنی، رابطه افراد معمولی با فراغت را

به کلی تغییر داده است. در دنیای قدیم سفر به دیگر کشورهای جهان، اقدامی تجملی به شمار می آمد، ولی امروز آن دنیا جای خود را به دنیایی داده است که در آن سفر به عنوان حقی شهروندی به رسمیت شناخته می شود. ما از جامعه‌ای که در آن از هر ده نفر، یک یا دو نفر به آموزش عالی راه می یافتند، به جامعه‌ای رسیده ایم که از هر ده نفر، چهار یا پنج نفر وارد دانشگاه می شوند. ما نظام ارتباطات همگانی را که بر مثنی ایستگاه‌های زمینی رادیو و تلویزیون استوار بود، پشت سر گذاشته ایم و وارد وضعیت جدیدی شده ایم که در آن صداها اینستگاه صداوسیما ماهواره‌ای در ۲۴ ساعت شبانه روز، اخبار و عقاید مربوط به ارزش‌ها را در جهان منتشر می کنند. برای اغلب غربی‌ها پرداختن به هیچ‌یک از اینها، یعنی قرار گرفتن در معرض کانال‌های اطلاعاتی و سفر به این نقاط جهان، بیش از هر زمان دیگری در تاریخ طولانی شده و این وضعیت همه چیز را تغییر داده است.

امروزه، مردم هنوز فراغت را هر فو فی نفسه به شمار می آورند، ولی این کار را در بستری از آموزش، ارتباط و گر شگری همگانی انجام می دهند که بر فرض وجود رابطه‌ای متفاوت میان فرد، مهار فراغت و شهروندی استوار است. جامعه مدنی سبب شکل‌گیری جریان‌های اطلاعاتی چندگانه و اغلب ناهمخوان شده است؛ جریان‌هایی که به پزشک، ژنتیک، خطرات زیست محیطی، نابرابری و حقوق بشر می پردازند و امکان طرح دازی درباره فراغت را به مثابه پدیده‌ای جدا شده از زندگی منتفی می سازند. ر عکس درست در فراغت است که ما بیش از هر زمان دیگری در معرض اطلاعات و گزینه‌های سیاست‌گذاری مرتبط با حقوق و مسئولیت‌های شهروندی فعال و اخبار مربوط به نقض این شرایط قرار می گیریم. تجربه فراغت، به صورت مستقیم و غیرمستقیم، شهروند فعال را در معرض جریان‌های اطلاعاتی مربوط به گزینه‌ها و خطرهای جاری سبک زندگی قرار می دهد. فراغت هیچ گاه وقت «آزاد» نبوده است، ولی در حال حاضر بخش قابل توجهی از آن، صرف مقابله با انواع خطرهای می شود؛ از کاهش مصرف نوشابه‌های الکلی گرفته تا ترک سیگار، کنترل رژیم غذایی، توجه به هشدارهای تروریستی هنگام دیدار

از کشورهای خارجی، داشتن رابطه جنسی سالم و مطلع بودن از خطرهای زیست محیطی ناشی از انتشار گاز کربن.

بدیهی است که شهروندان فعال، تمام فراغت خود را صرف رصد کردن انواع خطر نمی کنند؛ ولی وقتی افراد به اوقات فراغت‌هایی روی می آورند که برای خودشان و دیگران خطرانی به همراه دارند، پاره‌ای از ملاحظات اخلاقی خود به خود مطرح می شوند.

خود من در سال‌های میانی دهه ۱۹۹۰ و در جریان سفری دریایی با قایق دیگری از جزیره‌های تایلند از این مسئله آگاه شدم. در جریان این سفر، یک گردشگر استرالیایی میانسال همراه با خانواده‌اش شروع به نوشیدن آبجو کردند. هنگامی که بستین قوطی خالی را به دریا انداخت، دیگر گردشگرانی که روی عرشه بودند، حرکات و نگاه‌هایشان، آشکارا نارضایتی خود را از این عمل نشان دادند. به نوشیدن ادامه داد و می خواست دومین قوطی خالی را هم به دریا بیندازد که با اعتراض یک زن جوان آلمانی روبه‌رو شد و دیگر گردشگران نیز به این اعتراض پیوستند. پنج ده سال قبل و در جریان گذران فراغت، اقدامی متداول بود، یعنی ریختن سطل‌های تجزیه‌ناپذیر در دریا، اکنون با فشار اجتماعی روبه‌رو می شود.

در نمونه‌ای که دیگر ماجرای روایتی نیست، سیگار کشیدن را در نظر بگیرید. سیگار کشیدن هنگام گذران فراغت در سال‌های قرن بیستم در غرب، اقدامی متداول بود. این مسئله تنها به حیطه اخلاق و وجدان فردی بستگی داشت؛ ولی با انتشار گزارش انجمن جراحان آمریکا در سال ۱۹۶۴ که میان سیگار کشیدن و ابتلا به سرطان و بیماری‌های قلبی - عروسی رابطه روشنی برقرار می کرد، اوضاع تغییر کرد. از این زمان به بعد اختیار و وجدان فردی درباره تصمیم به سیگار کشیدن، برای سلامت فرد و جامعه پیامدها و اثرات مالی و اجتماعی با خود به همراه داشت؛ زیرا با تصمیم فرد برای کشیدن سیگار، مالیات‌دهندگان و دولت مجبور بودند بهای این کار را با پرداخت مالیات‌های بیشتر برای افزایش هزینه‌های درمانی بپردازند؛ به همین ترتیب، با پیشرفت دانش مربوط به اثرات زیان‌بار و ثانویه سیگار کشیدن و آلودگی

محیط‌زیست، مسئله هزینه اجتماعی و اقتصادی آن برای جامعه، یعنی غیرسیگاری‌ها در مقابل فرد سیگاری، در کانون توجه قرار گرفت و نگرانی دربارهٔ اثرات احتمالی و ثانویه سیگارکشیدن افزایش یافت. از سال ۱۹۶۴ به بعد، سیگاری‌ها با شکل‌گیری این اندیشه علمی و سیاسی و در پی آن این باور عمومی روبه‌رو بودند که سیگارکشیدن در فراغت، اقدامی زیان‌بار است. این موضوع سبب شد، بسیاری از کشورهای غربی سیگارکشیدن را در وسایل نقلیه عمومی، ساختمان‌های دولتی ممنوع کنند؛ در مدارس به آموزش‌های بهداشتی ضدسیگار، بپردازند و جنبش حذف سیگار از همهٔ اماکن عمومی را ترویج کنند. تغییرات صورت گرفته عقبی بوده است.

افزون بر این، افزایش آگاهی نسبت به خطرات بسیاری از شکل‌های دیگر فراغت از قبیل نوشیدن الکل، رژیم غذایی پرکلسترول، تنش در مناسبت‌های شخصی، زندگی خودروهایی که گاز مونواکسید فراوان متصاعد می‌کنند، آلودگی صوتی و شکار حیوانات برای لذت‌بردن همراه بوده است. چنانچه بخواهیم گزارشی کلی از این تغییرات گوناگون ارائه دهیم، می‌توانیم بگوییم که دو اصل متقاعدکننده اخلاقی، عامل شکل‌گیری آنها بوده‌اند؛ مراقبت از خود و مراقبت از دیگران. مراقبت از خود به فرایندهای گوناگون خود، بازنگری برای دست‌یافتن به سلامت جسمی و روانی باز می‌گردد. مراقبت از دیگران به گسترش مشارکت سیاسی و افزایش مسئولیت در قبال رفاه جامعه و به‌طور کلی دنیای طبیعی اشاره دارد.

این دو اصل، تفکر دربارهٔ فراغت را به عنوان لذت‌جویی صرف محدود می‌کنند. علم، ما را به اطلاعات بیشتری دربارهٔ تأثیر رژیم غذایی، فرهنگ و محیط فیزیکی بر سازوکارهای زیستی جسم انسان مجهز کرده است. همچنین ما را بر بعضی خطرهای گذران مهارگسیخته فراغت آگاه کرده است؛ برای مثال علم این مطلب را نشان می‌دهد که آلودگی محیط‌زیست، لایهٔ ازن را تخلیه می‌کند و به گرم شدن کره زمین منجر می‌شود. مهندسی ژنتیک، شکل‌گیری شرایط تازه‌ای از جسمیت‌یافتن، جریان زندگی و ابتلا به بیماری را پیش‌بینی می‌کند. در میانه ثروت عظیمی که غرب در آن غوطه‌ور است و اعتیاد عمومی

ما به مصرف انواع کالاها، نگرانی‌های تازه‌ای درباره تأثیر کار بیش‌ازحد و «کمبود وقت»، بر فراغت و زندگی خانوادگی سایه می‌افکند (شور ۱۹۹۲، هوشیلد ۱۹۸۹، ۱۹۹۷). هم‌زمان تجاری‌شدن که بر بیشتر فعالیت‌های غیرکاری ما سیطره یافته است، جداسازی گذران فراغت از مصرف را دشوار می‌سازد. مسئله دست‌اندازی چندملیتی‌ها به رفتار ما در وقت «آزاد» از طریق تبلیغات و شکل‌دادن به روندها و طراحی کالا، امری کاملاً آشکار است.

شما می‌توانید با در نظر گرفتن خودتان به عنوان یک منبع در تجربه‌ای ده، این موضوع را امتحان کنید. از پنج خطر عمده سلامتی که با گذران کنونی فعالیت همراه است، فهرستی تهیه کنید. چنین فهرستی می‌تواند شامل این موارد باشد: رژیم غذایی که در آن گوشت قرمز و غذاهای پرکلسترول غالب باشد؛ رفتار بی‌مطمئن در روابط موقت؛ سیگار کشیدن و رانندگی کردن بدون استفاده از کمربند ایمنی؛ ضدآلودگی. اکنون از والدین، پدر بزرگ و مادر بزرگ‌های خود بخوبی بپرسید که آنها هم فهرستی از چنین خطرهایی تهیه کنند که وقتی هم‌سن شما بودند انجام می‌دادند. اگر برهان من درست باشد، آگاهی شما بر خطرهای انوعی از گذران فراغت برای سلامتی و یکپارچگی محیط‌زیست، بسیار بیشتر است. این مسائل تنها به اصل اخلاقی مراقبت از خود محدود نمی‌شود. بستر گذران فراغت در بیان معاصر، تحت تأثیر اصل مراقبت از دیگران نیز دگرگون شده است.

پیشرفت در عرصه ارتباطات همگانی، سفر و انزاد در درآمد واقعی در کشورهای توسعه‌یافته، گزینه‌های ما را در گذران فراغت به میزان زیادی افزایش داده است؛ ولی ما بیش از هر نسل دیگری می‌دانیم که بسیاری از کالاها و خدمات فراغتی که در غرب مصرف می‌شوند، از کشورهای در حال توسعه‌ای به دست می‌آیند که کارگرانی را با دستمزد پایین و سطوح نامناسبی از سواد و امید به زندگی به خدمت گرفته‌اند (کلاین، ۲۰۰۱). بهره‌گیری غرب از محوطه‌های فراغتی و گردشگری کشورهای در حال توسعه، آگاهی ما را بر کالایی شدن فراغت، تراکم وسایل نقلیه و آفت‌زدگی معماری افزایش داده است. همچنین نسل جدیدی از کارگران را به وجود آورده که اغلب به صورت

پاره‌وقت یا در قالب قراردادهای ثابت کار می‌کنند. این گروه تازه برخلاف کارگران دوران پس از جنگ، فاقد قطعیت‌های اشتغال کامل و مالکیت خانه هستند. الگوهای ازهم‌گسیخته پرداخت مالیات و بیمه بر گذران فراغت تأثیر مستقیم دارند؛ زیرا سبب کاهش حقوق بازنشستگی و دیگر مزایای رفاهی می‌شوند.

جهانی‌شدن با ملاحظه‌های دیگری نیز همراه است که با اقتصاد و اخلاقیات چندان ارتباطی ندارند و بیشتر به آداب و رسوم تعامل اجتماعی مربوط می‌شوند. این مسئله را در جریان سفری به ورشو در سال ۲۰۰۴ متوجه شدم. دربار ورشو باید با آوار شد که نازی‌ها در واکنش به قیام ورشو در سال ۱۹۴۴، کل شهر قدیم ورشو را با خاک یکسان کردند. افزون بر این، اشغال ورشو به وسیله نازی‌ها پس از سال ۱۹۳۹ با برنامه‌ای نظام‌یافته برای نابود کردن یهودیان همراه بود. پس از جنگ نیز فرایند بازسازی این شهر به‌کندی صورت گرفت. لهستانی‌ها تصمیم گرفتند به‌جای ساختمان‌های اصلی را بازسازی کنند که قربانی سیاست زمین‌سوخته نازی‌ها شد بود. البته هدف از انجام این کار، حفظ خاطره نابودی یهودیان به دست نازی‌ها بود.

در خیابانی بازسازی‌شده در محل شهر قدیم، بوده‌ای آجر از گتوی ورشو بر زمین ریخته شده و پرچمی برافراشته روی این بوده آجر جهره‌های شماری از قربانیان یهودی هولوکاست را نشان می‌دهد. لهستانی‌ها را گمشدگان از این آجرها به عنوان پایه‌ای برای روشن کردن شمع‌های یادبود استاده و کنند. من در سپتامبر سال ۲۰۰۴ آنجا بودم. شخصی که به گمانم گردشگر آمریکایی بود، تابلویی مقوایی را در میان این آجرها قرار داد که روی آن نوشته شده بود: ۱۱ سپتامبر را به خاطر بسپارید. به نظر من این کار اقدامی بی‌مزه و تعرض‌آمیز بود. در حمله به مرکز جهانی تجارت در سال ۲۰۰۱ حدود ۳۰۰۰ نفر کشته شدند، حال آنکه در برنامه نابودی یهودیان ورشو، سیصد هزار یهودی قتل‌عام شدند.

البته مسئله تنها تعداد افراد نیست و هر مرگی به یک اندازه موجب سوگواری است؛ اما صرف‌نظر از این حقیقت، کوشش برای تصاحب بنای

یادبودی که برای گرامیداشت یک بی‌حرمتی خاص طراحی شده است، به‌منظور حفظ خاطره یک بی‌حرمتی دیگر، از لحاظ اخلاقی جای چون‌وچرا دارد. ما نباید خاطرات رنج‌ها را طوری جمع بزنیم که گویی همه یک چیز واحدند. در برخورد با مقوله فراغت نه تنها باید نسبت به نیازها و آرزوهای خودمان، بلکه نسبت به خواسته‌های دیگران نیز حساس باشیم. مراقبت از دیگران، مستلزم حرمت گذاشتن به ارزش‌های آنان است. درحالی‌که این مطلب اغلب به‌تأکید در پذیرش اعمال دینی مختلف بیان شده است، درباره تاریخ رنج‌های دیگران نیز مع‌نایق دارد؛ مانند تراژدی لهستانی‌ها در مقابل هولوکاست نازی.

این ملاحظات مربوط به آداب و رسوم و اخلاقیات در تجربه معمول ندانان فراغت به‌خوبی آشکار است؛ زیرا پدیده تکثر فرهنگی، فرصت‌ها و تجربه‌های تازه‌ای از فراغت را در شهرهای ما امکان‌پذیر کرده است. این پدیده، بعضی فرهنگ‌ها را تثبیت شده را نیز تهدید می‌کند. نمایندگان این قبیله فرهنگ‌ها احساس می‌کنند که قضا، صورت‌ها و تجربه‌های فراغت بومی آنها به هم ریخته و در معرض نابودی قرار گرفته است. تروریسم بین‌المللی، ما را دربارهٔ سبک‌ها، سلف زندگی، ادیان و الگوهای فراغتی که در حیط خلوت‌های ما شکل می‌گیرد، تأمل وامی‌دارد. گرایش به جذب اجتماعی فرهنگ‌های حذف‌شده که ناله دانه‌ای از بین رفته‌اند، (شامل اقلیت‌های دینی، ناتوان‌ها، بی‌خانمان‌ها، آوارگان و نهیستان در سیاست‌های فراغت) با مشکلاتی از قبیل افزایش مالیات‌ها، حذف منابع مالیات‌دهندگان در هزینه‌های عمومی و سست شدن ارزش‌های ملی روبه‌رو است.

انواع فراغت مبتنی بر بهره‌کشی از دیگران نیز سروصداهایی به پا کرده است. این مطلب، هر دو دنیای انسانی و حیوانی را در بر می‌گیرد. شکار روباه، بوفالو، جنگ خروس‌ها، به‌دام‌انداختن خرس‌ها، مسابقه‌های مشت‌زنی و دراختیارداشتن تنگ، همگی با مبارزه‌هایی اخلاقی روبه‌رو شده‌اند که اعتبار آنها را به عنوان صورت‌هایی از فراغت مخدوش می‌کند. درحالی‌که غرب در برخورد با وقیح‌نگاری، نوعی رشد بردباری و مدارای عمومی را تجربه کرده است، گردشگری جنسی و قاچاق کودکان به قصد بهره‌برداری جنسی از آنها به

یک ماجرای جهانی پرسروصدا بدل شده است. اینترنت فرصت‌های تازه‌ای را در اختیار وقیح‌نگاران و شاهدبازان قرار می‌دهد که والدین را دچار دردسر و اکثریت اخلاق‌گرا را سراسیمه می‌کند.

تمام جوامع با کمبود منابع روبه‌رو هستند و همه آنها ناگزیرند برای حل مسئله مشروعیت‌بخشیدن به توزیع نابرابر اقتصادی و مسئله اجتماعی، سلسله‌مراتب‌ها و نردبان‌های منزلتی (که توزیع نابرابر منابع را توجیه کنند)، نهادها و نظام‌ایی را تأسیس کنند. افزون بر این، همگی باید مسائل مربوط به تجاوز و آسیب را به گونه‌ای تنظیم کنند که سامان مدنی محفوظ بماند. نهاد فراغت در تنظیم این مسائل، روبه‌روز نقش مهم‌تری پیدا می‌کند. این نقش در عملکرد آن به‌منزله‌های شکل‌گیری هویت، بازنمایی همبستگی، اعمال کنترل بر تخصیص منابع و به‌جای آن تخصیص نامناسب و تنظیم مدنی این امور از طریق مقاومت تجلی می‌یابد. تحولات دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، منطبق توزیع اقتصادی، تخصیص منزلت و سامان مدنی حاکم بر مناسبت‌های ما را با بازار اشتغال، حکومت و یکدیگر سرایا درگیر کرده است. یکی از این تغییرات آن است که منابع سرمایه و نیروی کار، دیگر در صنعت و تولید کارخانه‌ای متمرکز نمی‌شود و به سمت بخش‌های ارتباطات و اطلاعات حرکت می‌کند. در همین حال، تولید صنعتی و صنایع مونته‌زیس سوی کشورهای درحال توسعه‌ای روانه شده‌اند که نیروی کار ارزان دارند.

افزون بر این، به‌موازات جهانی‌ترشدن سرمایه و نیروی کار، اهمیت محوری دولت در تنظیم بازارهای کار و تعیین سرمایه‌گذاری عمده‌ها کاهش یافته است. آرمان رفاه که بر تخصیص و توزیع منابع عمومی حاکم بود، تضعیف شده است. هرچند هنوز هم دولت رفاه‌گستر مسئولیت مراقبت‌های ابتدایی را از بیماران، بیکاران و سالمندان می‌پذیرد، ولی تمام این موارد در بستری اتفاق می‌افتد که در آن اتکا به خود و داوطلب‌بودن، به عنوان راه‌حل‌های برتر مسائل شخصی و اجتماعی پیشنهاد می‌شوند؛ منظور پرداختن به مقوله‌های بهداشت، آموزش، تفریح و طرح‌های بازنشستگی خصوصی است. به همین سیاق بر اثر جهانی‌شدن، ظرفیت حکومت در تنظیم شرایط

اجتماعی و اقتصادی در چهارچوب مرزهای خودش کاهش یافته است. موافقت‌نامه‌های دوجانبه و چندجانبه در زمینه دادوستد و حقوق بشر افزایش یافته‌اند، ولی توانایی حکومت در تنظیم شرایط در چهارچوب مرزهای خودش مشروط‌تر شده است؛ برای مثال، قانون کپی‌رایت دیجیتال هزاره^۱ (۱۹۹۸) قانون بحث‌برانگیزی است که تولید و اشاعه فناوری دارای ظرفیت نادیده‌گرفتن کپی‌رایت را اقدامی جنایی می‌داند و جرائم مربوط به نقض کپی‌رایت را افزایش می‌دهد. «انجمن صنایع ضبط آمریکا»^۲ در مبارزه خود با شرکت «نپستر»^۳ و دیگر شرکت‌هایی که امکان مبادله فایل‌های صوتی را در اینترنت فراهم می‌آوردند، به این قانون توسل جستند. شرکت نپستر در ارائه این خدمات پیش‌تاز بود و در اوج فعالیت خود ادعا می‌کرد، بیش از هفتاد میلیون نفر کاربر دارد (گلدستین، ۲۰۰۳: ۱۰۲). انجام اقدامات قانونی RIAA نپستر را وادار کرد که نوعی ساختار پرداخت قیمت را بپذیرد. این تصمیم سبب شد بسیاری از شرکت‌ها با پرداخت کپی‌رایت به رصدهای قانونی این قبیل فایل‌ها به صورت «روی خط»^۴ اقدام کنند؛ شرکت‌های Sony Music Entertainment, Apple I iTunes, Warner Bros, VMI, BMG و حتی Wal-Mart از این سیستم استفاده می‌کنند. باین‌حال، شرکت‌هایی که امکان نسخه‌برداری از این فایل‌ها را به رایگان فراهم می‌سازند (Kazaa, Marpheus, Groksster)، همچنان به کار خود ادامه می‌دهند چرا؟

پاسخ به این پرسش در نخستین اصل قانون و جایگاه هدیه در تجربه فراغت نهفته است. اصلیه نخستین، ناظر بر تضمین آزادی بیان است. از لحاظ تاریخی دادگاه‌های ایالات متحده تمایلی ندارند که قانون کپی‌رایت را به گونه‌ای تعمیم دهند که به مانعی در مقابل آزادی بیان تبدیل شود. اینترنت را می‌توان ابزاری به شمار آورد که از طریق دسترسی به داده‌های دیجیتال، محدوده‌های آزادی بیان را می‌گستراند. چنانچه مصرف‌کنندگان از این وسیله برای مبادله فایل‌های موسیقی قانونی خریداری‌شده استفاده کنند، نمی‌توان

1. Digital Millennium Copyright Act (DMCA)

2. Recording Industry Association of America (RIAA)

3. Napstar

4. Online

استدلال کرد که صنعت موسیقی حق دارد، این عمل را بی چون و چرا ممنوع کند.

اگر من تصمیم بگیرم به مناسبت تولد خواهرزاده‌ام یک سگ پشمالوی کوچک به او هدیه دهم، معمولاً همه می‌پذیرند که فروشنده سگ بر آنچه من می‌خواهم با سگ یا توله‌های احتمالی آن بکنم، هیچ حقی ندارد. این اصل برای اغلب کالاهایی که به صورت قانونی و برای مصرف خصوصی خریداری شده‌اند، صادق دارد. اگر من بخواهم از مجموعه سی‌دی‌های خود یکی را هدیه بدهم و این کار را با قراردادن آن روی شبکه اینترنت برای نسخه‌برداری انجام دهم، بنا به سنت من نتوان گفت، این کار حق طبیعی من بر کالایی است که به صورت قانونی خریداری کرده‌ام. درحقیقت این حکمی است که دادگاه ناحیه‌ای آمریکا در آوریل سال ۲۰۰۴ در پرونده شکایت «ام. جی. ام.»^۱ علیه شرکت «گراکستر»^۲ صادر کرد. ام. جی. ام. در پی آن بود که گراکستر را وادار کند، خدمات «باراندازی»^۳ خود را موقوف، سازد. دادگاه علیه ام. جی. ام. رأی داد؛ زیرا به این نتیجه رسید که گراکستر در برابر استفاده غیرقانونی مصرف‌کنندگان از خدمات این شرکت مسئولیتی ندارد. این حکم در کمال ناباوری صنعت موسیقی ایالات متحده، در نه‌مین دادگاه استیناف ایالات متحده در اوت سال ۲۰۰۴ تأیید شد. به موجب این حکم، استفاده از خدمات در قبال استفاده‌هایی که مشتریان از فعالیت‌هایش می‌کنند، مسئولیت ندارد. این حکم همان دفاع ناموفقی است که نسترن در مقابل RIAA انجام داد و محرک شد نوعی ساختار قانونی پرداخت هزینه را بپذیرد. تفاوت استفاده گروکستر از این ناحیه و موفق شدن او در چیست؟

این مسئله کلیدی به ماهیت نظام مبادله فایل مربوط می‌شود. نسترن حول یک سیستم خدماتی مرکزی ساخته شده بود که در آن کاربران فایل‌های موسیقی اهدایی را ذخیره و برداشت می‌کردند. گراکستر، موفتوس و کازا در

1. MGM

2. Grockster

3. Downloading

چهارچوب نظام‌های مبادله‌ی تمرکززدوده‌ای عمل می‌کنند که کامپیوترهای شخصی را به خدمت‌دهنده‌های کوچک تبدیل می‌کند. نتیجه این وضع با رابطه‌ی ردوبدل کردن سنتی هدیه میان همتایان، همخوانی بیشتری دارد.

یکی از دلایلی که سبب شده طرفین کالایی را که به صورت قانونی برای مصرف شخصی خریداری می‌کنند، آزادانه با یکدیگر مبادله کنند، این است که دادگاه‌های امریکا در مقابل تعمیم حقوق کپی‌رایت بر حوزه‌ی مبادله‌ی فایل‌های موسیقی مقاومت می‌کنند. مخالفت با این کار، نقض آزادی سنتی مصرف‌کنندگان برای مبادله‌ی اقلامی است که به صورت قانونی برای مصرف شخصی خریداری کرده‌اند و در چهارچوب نوعی رابطه‌ی ردوبدل کردن هدیه آن را به دیگری می‌دهند.

منارعه نسبتاً در مقابل همتا در ایالات متحده، نشان‌دهنده‌ی مشکلاتی است که سازمان‌های مالکیت فکری و کنترل بر گذران فراغت در دنیای دیجیتال با آن روبه‌رو هستند. چنین شدن از طریق برجیدن قلمروهای سرزمینی خرید و سرمایه‌گذاری، سبب می‌شود تا از بازارهای مصرف و نیروی کار شده است. مصرف‌کنندگان دیگر به هیچ وجه مجبور نیستند یک کالا را به قیمت ثابتی خریداری کنند که شرکت‌ها در چهارچوب مرزهای ملی عرضه می‌کنند. آنها می‌توانند از طریق اینترنت و در بسیاری موارد بدون پرداخت حق مالکیت فکری (نرم‌افزار، موسیقی ضبط‌شده، فیلم و سرگرافیک)، بلافاصله در خانه خود از آن نسخه‌برداری کنند. به همین ترتیب، شرکت‌های چندملیتی هم دیگر مجبور نیستند در قلمرویی واحد به طراحی، تولید و مونتاژ محصولات خود بپردازند. آنها می‌توانند از سیاست‌های سرمایه‌گذاری انعطاف‌پذیر استفاده کنند و فعالیت‌های طراحی، تولید و مونتاژ را در نقاطی از جهان انجام دهند که از لحاظ مهارت‌های نیروی کار و هزینه‌ها مناسب‌تر از جاهای دیگر است.

جهانی‌شدن نیروی کار بر ظرفیت کارگران برای مقاومت در مقابل تصمیم‌های شرکت‌ها از طریق سازمان‌دهی و چانه‌زنی جمعی به شیوه سنتی نیز اثرگذار بوده است. تغییرات کنونی بازار اشتغال، کارگران را وادار می‌کند، تحرک اجتماعی بیشتری داشته باشند و بیشتر به کارهای گروهی و جهانی

بپردازند. تمام این عوامل، فعالیت‌های جمعی را با مانع روبه‌رو می‌کند. کارگران متحرک دیگر نمی‌توانند به راحتی منافع مشترک و یکپارچه خود را با امنیت پیگیری کنند. چنانچه در قالب‌های گروهی کار کنند، نظام پاداش (از طریق پرداخت متناسب با عملکرد) و سازوکارهای منزلتی آنها در مقابل گروه‌های دیگر به چالش کشیده می‌شود، نه در مقابل کل نیروی کار.

کارکنان در فضای جهانی شده، کارفرما را تنها از طریق قرارداد کار مشخص می‌کند، اما نبود کارگران مزدبگیر را به پدیده‌های بی‌شکل یا نامرئی بدل می‌کند؛ زیرا بیشتر کارگران تنها از طریق واقعیت مجازی ارتباطات شبکه‌ای یا رسانه‌های گروهی با آنها تماس برقرار می‌کنند. نتیجه این وضع، تکه‌پاره شدن اجتماعات کارگری و تحلیل رفتن منافع مشترک است که شالوده چانه‌زنی جمعی به شمار می‌آید؛ بنابراین اتحادیه‌های کارگری ضعیف می‌شوند.

غرب برای کنار آمدن با این شرایط جدید تلاش کرده است. مراکز روبه‌افول تولید صنعتی، مشغول بارز با حرکت منابع به سمت کشورهای روبه‌توسعه بوده‌اند؛ بنابراین در بازاریابی نیروی کار برای جذب سرمایه‌گذاری در بخش فناوری برتر، کند عمل کرده‌اند. بسیاری از کارگران با موقتی شدن بازار کار و رواج قراردادهای پاره‌وقت یا ثابت به جای نظام قدیم داشتن «شغل دائم» به سختی کنار آمده‌اند و عده‌ای دیگر، خود را در مقابل نیازمندی‌های جدید اضافی یافته‌اند.

در عرصه مصرف، اقدام تنبیهی RIAA در زمینه نسخه‌برداری کاپی‌تری به مبنایی برای طرح دوباره حقوق سنتی کپی‌رایت تبدیل شده است، حال آنکه از زاویه‌ای دیگر می‌توان این امر را فرصتی برای دگرگون کردن خرده‌فروشی و مالکیت فکری دانست. در عرصه هم‌نوایی با مهارت‌های جدید و فرصت‌های مصرفی که اقتصاد اطلاعاتی و جهانی مهیا کرده است، آموزش عمومی کند و نامتوازن بوده است. کاهش هزینه‌های دولت رفاه‌گستر، به‌ویژه با توجه به تخریب ارزش طرح‌های خصوصی، بهداشتی، آموزشی و بازنشستگی بر اثر آشفته‌گی‌های بازار سهام با نارضایتی مردم مواجه شده است. اتحادیه‌های کارگری به آرامی از نظام‌های سازمان‌دهی و چانه‌زنی ملی کنار رفته‌اند و به

انواعی از نظام‌های جمعی بین‌المللی تبدیل شده‌اند. این اتحادیه‌ها بر نوعی چانه‌زنی انعطاف‌پذیر استوارند که شرایط جدید اقتصادی - اطلاعاتی آن را طلب می‌کند.

در چنین بستری، فراغت در شکل دادن به انسجام اجتماعی و به‌چالش کشیدن بی‌عدالتی مدنی و توزیعی، نقش فزاینده‌ای پیدا کرده است. این وضعیت محصول ترکیبی از جهانی شدن و نظام‌های آموزش و مصرف همگانی است که قبلاً به آنها اشاره شد. درحقیقت نوعی پیکره سیاسی آموزش‌دیده و مطلع پدید آمده که تاکنون بی‌سابقه بوده است. فراغت سیاسی تر شده؛ زیرا سپهری است که در آن حقوق و مسئولیت‌های سلوک در یک جامعه مدنی جهانی با آزادی هرچه تمام‌تر بررسی می‌شود.

در همان حال که احساس می‌کنیم فرسوده شده‌ایم، مسئولیت‌های تازه شهروندی فعلی را نیز در می‌یابیم. به نظر می‌رسد مفاهیم سنتی مدنی و تقسیم قدیمی جامعه به «بها» و «سست»، نه تنها قادر نیست مسائل رویاروی ما را در جامعه مدنی و فراغت حل کند، بلکه حتی نمی‌تواند به درستی آنها را مطرح و بررسی کند. جامعه غربی در این مسائل راه‌هایی به‌منظور توانمندسازی شهروندان است تا از راه‌حل‌های گرگ‌صفتانه بازار و فرهنگ وابستگی دولت رفاه‌گستر اجتناب ورزد. افزون بر این، هر روز بیش از پیش این مطلب پذیرفته می‌شود که بسیاری از مسائل مربوط به انواع صورت‌های حمل فراغت، به راه‌حل‌های جهانی نیاز دارند؛ به‌ویژه در عرصه‌های آلودگی، زیست، وقیح‌نگاری، نقض کپی‌رایت در اینترنت و قاچاق مواد مخدر. مفهوم پندی فراغت در چهارچوب لذت‌جویی سرخوشانه، دیگر هیچ مشروعیتی ندارد. لذت‌جویی همچنان یکی از ارکان بسیاری از صورت‌ها و کنش‌های فراغت به شمار می‌آید، اما با دو حکم اخلاقی و جهانی مراقبت از خود و مراقبت از دیگران در هم تنیده شده است.

مواضع انتقادی گوناگون در زمینه عمل فراغت - مکتب‌های کنش متقابل، مارکسیسم، فمینیسم و پسامدرنیسم - به طور مستدل نشان داده‌اند که ما در چهارچوب صورت‌ها و کنش‌های فراغت چه مواضع گوناگونی داریم و

مناسبت‌های قدرت تا چه اندازه در انگیزه و تجربه ما از فراغت نفوذ کرده‌اند. این موارد واکنش‌هایی لازم و روشنگر در مقابل صورت‌های گوناگون نظریه فراغتند که در فاصله سال‌های میانی دهه‌های ۱۹۷۰-۱۹۴۰ در دپارتمان‌های تازه تأسیس فراغت شکوفا شده‌اند. این نظریه‌ها دیدگاهی مثبت از فراغت عرضه می‌کنند که آمیزه‌ای از تأیید زندگی و مناسبت‌های کامل است و هماهنگی و نظم اجتماعی را گسترش می‌دهد. اوج این دیدگاه در کارکردگرایی و نظریه نام‌ها در اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل ۱۹۷۰ پدیدار شد (پارکر، ۱۹۷۱؛ کاپلان، ۱۹۷۵؛ چیک و بورچ، ۱۹۷۶). نظریه پردازان انتقادی فراغت معاصر، به درستی این خوش‌بینی، کم‌مایه و سطحی به شمار می‌آورند؛ زیرا این خوش‌بینی، پرسش‌های اساسی از قبیل نابرابری، بی‌عدالتی، سلطه، ستم و دست‌اندازی به صورت‌ها و تجربه فراغت را نادیده می‌گیرد.

روی هم رفته، آنچه اسب در انتقاد آنها نادیده گرفته می‌شود، هرگونه تلقی فراغت به منزله نوعی تفریح است؛ اینکه فراغت می‌تواند انگیزه‌بخش باشد و کسانی را که حس می‌کنند در دام مناسبت‌های کاری یا خانوادگی اسیر شده‌اند، به فراسوی این وضعیت هدایت کند؛ اینکه فراغت می‌تواند انسان‌ها را در زندگی خوشحال‌تر و نسبت به یکدیگر مهربان‌تر کند. نظریه فراغتی که نتواند خوشحال شدن، لذت‌بردن، شادی و حس تعلق ناشی از بازی و سفر را درک کند، ارزش آن را ندارد که حتی نامش برده شود. درحالی‌که برهان محوری این کتاب تحلیل صورت‌ها و تجربه فراغت در بستر جهانی شدن، حارپ‌ذیری و شهروندی فعال است، از تداعی‌های سنتی لذت‌جویی و آرامش‌طلبی، با فراغت نیز پشتیبانی خواهد کرد.

نقد در نظریه فراغت نقشی طبیعی ایفا می‌کند؛ زیرا هیچ چیز هرگز کامل نیست، اما جدی‌ترین نقش خود را هنگامی ایفا می‌کند که به هیئت نقد سازنده درآید؛ یعنی به جای مویه کردن مداوم بر وضع امور جاری، راه‌حل‌هایی پیشنهاد کند. به همین دلیل در اثر حاضر در تحلیل فراغت، نوعی رویکرد «کنش»^۱

مطرح شده است که در پی یکپارچه‌کردن مؤلفه‌های «انگیزش»^۱، «مکان»^۲ و «بستر»^۳ است. کنشگران فراغت کسانی هستند که در تجربه‌های فراغت، انگیزه‌های انتخابی خود را هدف قرار می‌دهند. رویکرد کنش، با چشم‌اندازهای ذات‌گرایانه که فراغت را بازتابی از آزادی انتخاب خداداد فرد می‌داند، نسبتی ندارد و از رویکردهایی که کنشگران فراغت را «حاملان» زبان‌بسته نیروهای ساختاری طبقه، جنسیت و نژاد می‌دانند، پشتیبانی نمی‌کند. توانایی و دانش همواره جزء پیش‌شرط‌های کنش به شمار می‌آیند. افزون بر این، بسیج این منابع و بیان آنها نیز همواره به صورت «مشروط»^۴ و در چهارچوب «الگوهای خاص» درک می‌شود.

در رویکرد کنش، روال کار با بررسی انگیزه‌های کنشگران فراغت آغاز می‌شود و مترو زان سعی می‌شود که مسیرهای رفتاری ترسیم شوند؛ یعنی آن خطوطی از رفتار فراغت دنبال می‌شوند که جهت‌ها و آهنگ‌هایی پیش‌بینی‌پذیر دارند. این مسیرها با عوامل مکان مرتبط می‌شوند که خود این عوامل با شبکه‌های خانوار، فرم‌های اجتماعی، تفاوت‌های جنسی، تقسیم‌های نژادی، نابرابری‌های اقتصادی و دل ارتباط دارند. سپس عوامل مکانی از طریق تحلیل تطبیقی و تاریخی به بستر مرتبط می‌شوند. بستر، شامل محورهای تاریخی، ریشه‌دار و خاص قدرت است که مکان را انگیزش را محدود می‌کنند. در همه عوامل بالا، انباشت دانش همواره به صورت مشروط و تابعی از نظام آزمون درک می‌شود. آزمون ابزاری دوگانه دارد؛ مطالعه تجربی (شامل مطالعه تطبیقی و تاریخی و نیز روش‌های چهره‌به‌چهره)، گفت‌وگوی باز، آموزندگی مبتنی بر اصول رویکرد کنش ذاتاً انتقادی است؛ زیرا روشن می‌کند که قدرت چگونه انگیزش، مکان و بستر را مشروط می‌کند و جسم‌بودن و مکان‌بودن چگونه قالب‌ریزی می‌شوند، اما در عین حال به خطرهای صرفاً انتقادی‌بودن نیز آگاه است. بر اساس تغییر سیاسی، در پی آن است که از رهگذر دفاع از

1. Motivation

2. Location

3. Context

4. Conditioned

5. Patterned

توانمندسازی، عدالت توزیعی و جذب اجتماعی به مثابه اهداف نظریه، مفهوم شهروندی فعال را توسعه دهد و بیالاید. استفاده از صورت‌های فراغت به عنوان راهبردهای آموزش در کار با جوانان خلاف‌کار، زندانیان دارای حبس‌های سنگین، ساکنان مناطق حاشیه‌ای و حلیی‌آبادها به‌خوبی جا افتاده است (فریر، ۱۹۷۰؛ بوال، ۱۹۷۹؛ ۱۹۹۵؛ کلمنتس، ۲۰۰۳؛ ایمس، ۲۰۰۳). رویکرد کنش با پشتیبانی از نقش فراغت در ارتقای سرمایه اجتماعی در زندگی روزمره از طریق تحکیم شبکه‌های اجتماعی و ترویج نوعی سبک زندگی متوازن، این قبیل ابتکار را گسترش می‌دهد؛ این مطلب را نیز می‌پذیرد که اجتماع و سبک زندگی همواره در ساختارهای اقتصادی، فرهنگی و سیاسی نابرابری جای دارند که در آن دغدغه‌ای همواره سعی می‌کند نحوه عملکرد قدرت را در پیشبرد منافع مستقر به‌شد.

شرکت‌های چندملیتی و دیوانسالاری‌های دولتی، در مقابله با نبود قطعیت و چالش، راهبردهایی را طراحی کرده‌اند. «بیانیه مأموریتی»^۱ که از آمیزه روشن هدف و پرواز تخیل پشتیبانی می‌کند، صلاح اصلی موجود در این زرادخانه مقابله است. درجه‌ها و واحدهای دانش‌های بر همین مسیر را دنبال کرده‌اند. چنانچه از من بخواهند هدف‌های دوره دانشگاه کارشناسی را در نظریه فراغت پیشنهاد کنم، فهرست زیر را ارائه خواهم کرد:

- بسط وضوح مفهومی مسائل کلیدی مرتبط با صورت و تجربه فراغت؛
- آشنایی با بحث‌های اصلی و مهم این حوزه در دنیای امروز؛
- یادگیری شیوه تدوین گزاره‌های آزمون‌پذیر درباره انواع صورت و تجربه‌های فراغت؛
- به‌کار بستن این نظریه در چهارچوب هدف سیاسی توانمندسازی، عدالت توزیعی و جذب اجتماعی؛
- یادگیری توجه به شیوه‌های تأثیر مناسبت‌های ریشه‌دار و تاریخی قدرت بر انگیزش، کنش و فرهنگ فراغت.